

نگاهی به کتاب «ادبیات داستانی» و نقش جمال میرصادقی در آموزش نویسندگی در ایران

جای پای محکم در آموزش ادبیات داستانی



علی‌الله سلیمی نویسنده و منتقد ادبی

شاخت عناصر داستان و یادگیری اصول نویسندگی این روزها به یکی از دغدغه‌های اصلی نویسندگان جوان و علاقه‌مندان به اصول نویسندگی تبدیل شده و آنها اغلب به‌دنبال کتاب‌های آموزشی با پشتوانه‌های علمی معتبر هستند تا با مطالعه این آثار که به‌نوعی کتاب‌های درسی در زمینه نویسندگی بویژه داستان‌نویسی محسوب می‌شوند، به دانش و معلومات خود در حوزه نویسندگی داستان بیفزایند. بی‌گمان در این بخش، یکی از راه‌ها به مجموعه آثار آموزش داستان‌نویسی جمال میرصادقی، نویسنده و مدرس ادبیات داستانی ختم می‌شود که کتاب‌های آموزشی متعددی در زمینه داستان‌نویسی تألیف و منتشر کرده است. جمال میرصادقی که خود از پیشکسوتان عرصه داستان‌نویسی در ایران است، در کنار مجموعه آثار متعددی که در بخش‌های داستان کوتاه و رمان نوشته، تقریباً به همان میزان کتاب‌های آموزشی در زمینه نویسندگی و فعالیت‌های ادبی این نویسنده، حدود ۳۰ کتاب تألیفی منتشره در بخش داستان کوتاه و رمان به چشم می‌خورد و تقریباً به همان میزان، حدود ۲۵ کتاب پژوهشی در زمینه‌های تئوری داستان و آموزش علوم داستان‌نویسی در کارنامه کتاب‌های تألیفی او دیده می‌شود. بنابراین جمال میرصادقی از معدود نویسندگان ایرانی است که بیشترین تعداد و عناوین کتاب‌های آموزشی در زمینه اصول داستان‌نویسی را در ایران نوشته و منتشر کرده است. اغلب کتاب‌های او در این زمینه به‌عنوان کتب درسی برای علاقه‌مندان به داستان‌نویسی مورد استفاده قرار می‌گیرد اما خاص‌ترین و قدیمی‌ترین آنها که حدود چهار دهه از تألیف و انتشار نسخه اولیه آن می‌گذرد، کتاب معروف «ادبیات داستانی» است که بسیاری از کارشناسان ادبی و اهالی داستان در ایران و حتی فارسی‌زبانان در خارج از کشور این اثر تئوریک معتبر در حوزه داستان را به‌عنوان یک نمونه موفق در زمینه آموزش داستان‌نویسی به علاقه‌مندان این حوزه ادبی معرفی و سفارش می‌کنند. کتاب «ادبیات داستانی» جمال میرصادقی اولین بار با عنوان «قصه، داستان کوتاه، رمان» منتشر شد. میرصادقی درباره انگیزه‌های تألیف این کتاب آموزشی در حوزه داستان‌نویسی گفته است: نوشتن این کتاب را م‌رهون دوست شاعر و فاضلم دکتر شفیعی کدکنی هستم که از من خواست حاصل تجربیاتم را در کلاس درس داستان‌نویسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران را در اختیار دانشجویان بگذارم. اساس این کتاب بر پنج بخش گذاشته‌شده است: «قصه و قصه‌های عامیانه»، «داستان و داستان کوتاه»، «رمان»، «پیشکسوت‌های داستان کوتاه: گوگل، پو، موباسان، چخوف» و همچنین «نگاهی به داستان‌نویسی معاصر ایران». این کتاب برای آشنایی با اصول و فنون هنر داستان‌نویسی و خلق ادبیات داستانی غنی کمک می‌کند. در معرفی اجمالی این کتاب آمده است: انقلاب مشروطیت در تمام ارکان اجتماع حرکتی پدید آورد که زمینه‌ساز تحولاتی گوناگون شد. ادبیات داستانی شخصی دیگرگونه یافت که هم از نظر ساختار و هم ازبابت معنا از ادبیات داستانی گذشته متمایز بود. نبود معیار و سنجشی درستی برای خلق رمان به معنای مرسوم و شناخته‌شده آن، نویسندگان را به سهل‌انگاری واداشت و حرفه‌ای نبودن کار نویسندگان از غنای ادبیات کم می‌کرد. بتدریج باگذشت زمان، شناخت اصول و فنون داستان‌نویسی نوین برای هر نویسنده ایرانی ضرورت یافت و آگاهی آن‌هم خوانندگان و جویندگان را یاری داد تا قدرت شناخت و تمیز خود را تقویت کنند و با چشم بازتر و دید انتقادی‌تر به این نوع بنگرند، زیرا که خواننده آگاه‌و داناتر بر آثار راستین و معتبرتر صحنه می‌گذارد و آثار معتبرتر فرهنگ و شناخت ذهنی خوانندگان را رشد بیشتری می‌دهد و درنهایت، موجب تعالی و تکامل این هنر می‌شود. هدف این کتاب آشنایی بیشتر خوانندگان با شیوه‌های داستان‌نویسی است. همچنین در خصوص موقعیت زمانی تألیف و انتشار کتاب ادبیات داستانی میرصادقی می‌توان گفت روی آوری به ادبیات جدید، به‌تقریب از اوایل مشروطیت، در ایران آغاز شده است، با کتاب‌های نظیر سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ زین‌العابدین مراغهای و مسالک المحسنین

برای همین، خلق آثار جدید در قالب‌های مختلف داستانی نیازمند منابع تئوریک و آکادمیک معتبر بود که بر پایه اصول صحیح بنا شده باشد. جمال میرصادقی در چنین شرایطی دست به نگارش کتاب آموزشی ادبیات داستانی زده و در آن، انواع قالب‌های داستانی را «قصه» و «رمانس» گرفته تا «داستان کوتاه» را به جزئیات شرح داده و در هر یک از قالب‌های یادشده نمونه‌های شاخص و موفق را معرفی کرده است. البته در این کتاب، میرصادقی بیش از سایر قالب‌ها به «داستان کوتاه» پرداخته و آن را به‌عنوان یکی از قالب‌های رایج و پرمخاطب در دنیای امروز معرفی کرده است. این رویکرد شاید بیشتر به آن جهت است که درنجویان داستان‌نویسی برای ورود به دنیای نویسندگی بویژه در بخش داستان‌نویسی بیش از هر قالب ادبی دیگری ابتدا در بخش داستان کوتاه طبع‌آزمایی می‌کنند و یکی از مشق‌های داستان‌نویسی در کلاس‌های نویسندگی معمولاً همین قالب داستان کوتاه است. میرصادقی نمونه‌های موفق‌ی از این قالب ادبی در کتاب خود معرفی کرده که هر یک از آنها به‌نوبه خود از آثار ماندگار در بخش داستان کوتاه و درمجموع ادبیات داستانی هستند. الگوپذیری هرنجویان از نمونه‌های ارائه‌شده در این کتاب هم در آثار تولیدی این افراد در آثاری که بعدها در بخش داستان کوتاه خلق کرده‌اند بخوبی مشهود است. در بین نویسندگانی که برخاسته از کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی جمال میر صادقی هستند هم این رویکرد به‌نوعی دیده می‌شود. اغلب نویسندگان امروزی که زمانی شاگردان جمال میرصادقی بوده‌اند در نوشتن داستان کوتاه خیره هستند و جزو موفق‌ترین نویسندگان قالب ادبی داستان کوتاه در ایران محسوب می‌شوند. بنابراین تأثیر کتاب ادبیات داستانی جمال میرصادقی در تقویت برخی قالب‌های داستانی ازجمله داستان کوتاه را نمی‌توان نادیده گرفت و این از دستاوردهای این کتاب در جریان داستان‌نویسی امروز ایران است.

گفت‌وگو با جمال میرصادقی به بهانه ۴۰ ساله شدن کتاب «ادبیات داستانی»

هرگز برای معروف شدن چیزی ننوشته‌ام



مریم شهبازی خیرنگار

جمال میرصادقی در عرصه کتاب و برای علاقه‌مندان پیگیر ادبیات نامی شناخته‌شده است و نیاز چندانی به معرفی‌اش نیست. آن هم بواسطه بیش از نیم قرن کار مداوم و انتشار آثار که سهم مهمی در ادبیات امروزمان دارد. همه‌ها فعالیت این پیشکسوت ادبیات را می‌توان از جنبه‌های مختلفی بررسی کرد و حتی برای شخصیت حرفه‌ای اش وجوه مختلفی قائل

شد، از جمال میرصادقی داستان نویس گرفته تا پژوهشگرو نویسنده تئوری‌ها و آثار آموزشی و حتی استادی که بیش از چهل سالی است هرچهارشنبه میزبانی جمعی از علاقه‌مندان یادگیری داستان‌نویسی را به عهده دارد. برای صفحه ادبیات امروز به بهانه چهل ساله شدن کتاب «ادبیات داستانی» این نویسنده به سراغش رفتیم و احوال او را جویا شدیم.

همین حالا در دوره‌های داستان‌نویسی خود مه‌لقا نوایی، خانم ۶۰ ساله‌ای، برخوردار از استعداد فوق‌العاده‌ای حضور دارد که کارهای خوبی می‌نویسد. اتفاقاً موفق به انتشار یکی- دو کتاب هم شده است.

■ باوجود این‌چرا نویسندگان مادر عرصه جهانی به غیر از چند مورد مطرح نشده‌اند، آن هم وقتی که بر جنبه اکتسابی بودن نویسندگی اصرار دارید؟

با این که بر ضرورت بهره‌مندی از استعداد اصرار دارم اما به هیچ وجه نویسندگی را موهبتی الهی نمی‌دانم! همه انسان‌ها با بهره‌مندی از قدرت خلاقه متولد می‌شوند هرچند که برخی از آنها استعداد بیشتری در این زمینه دارند، اما درباره این که چرا ما به اندازه دیگران چهره‌های جهانی نداریم برآمده از کم‌کاری و بی‌اعتنایی مسئولان‌مان است. همین امریکای لاتین را ببینید! چرا تعداد نویسندگان شاخص مادر مقایسه با آنان این‌قدر کم است؟

”

کشورهایی که سهم‌بزرایی از ادبیات داستانی جهان را از آن خود کرده‌اند اهمیت بسیاری برای آموزش قائل هستند.

در کشور هشتادمیلیون نفری طبیعی است که حدود دومیلیون نفر بر خوردار از استعدادی بیش از دیگران باشند؛ اما تا وقتی آموزش در کار نباشد چطور می‌توان آنان را کشف کرد؟

مگر انسان‌ها با یکدیگر فرق دارند؟ نه! فقط بحث این است که کشورهایی که سهم‌بزرایی از ادبیات داستانی جهان را از آن خود کرده‌اند اهمیت بسیاری برای آموزش قائل هستند. در کشور هشتاد میلیون نفری طبیعی است که حدود دو میلیون نفر بر خوردار از استعدادی بیش از دیگران باشند؛ خب تا وقتی آموزش در کار نباشد چطور می‌توان آنان را کشف کرد؟ این مهم‌ترین تفاوت ما با کشورهای دیگر در بحث ادبیات داستانی است. آن‌وقت اینجا هنوز بحث بر سر این است که کارگاه‌های داستان‌نویسی اثرگذار هستند یا نه!

■ به دوره‌های آموزشی خودتان بازگردیم؛ در میان شاگردان‌تان به استعدادهایی که بتوان به‌واسطه‌شان به آینده ادبیات داستانی‌مان امیدوار شد برخوردید؟

بله، از بهترین مصداق‌های آنها هم می‌توان به منیرو روانی‌پور و فریبا وفی اشاره کرد که حالا هر یک از آنان از زمره نویسندگان بسیار موفق هستند. از میان مردان هم کاوه فولادی نسب نویسنده خوبی شده و حالا خودش تدریس هم می‌کند. از میان شاگردان زمان فعلی ام، انسیه ملکان هم چند اثر خوب نوشته که منتشر شده‌اند، دو مجموعه

بسیاری از نویسندگان مشهور امروز شاکردان دیروز او هستند



علی دهیاشی نویسنده و سردبیر مجله بخارا

جمال میرصادقی متعلق به نسل دوم داستان نویسان ایرانی بعداز جمال زاده است؛ آنچه درباره ایشان حائز اهمیت است جدی گرفتن نویسندگی، آن‌هم به‌طور خاص در عرصه داستان، رمان و مسائل داستان‌نویسی است. جمال میرصادقی این کارها را به بهترین شکل و به‌درستی انجام داد. از همین رو آثار میرصادقی به پیش از هفده زبان خارجی ترجمه و منتشرشده‌اند. اما وجه ممتاز دیگر جمال میرصادقی که از میان نویسندگان ما تنها رضا برهانی چنین خصوصیتی داشته پرداختن به مسائل تئوریک داستان و رمان است. تنها دو نویسنده کشورمان در این زمینه کار کرده‌اند یکی برهانی با کتاب «قصه‌نویسی» اش و دیگری میرصادقی با نگارش چندین مجلد کتاب ارزشمند. او در اقدامی ستایش برانگیز به نقد یک‌به‌یک داستان‌های برجسته زبان فارسی پرداخته و علاوه بر این ، درباب اصول و تکنیک داستان‌نویسی در رمان و داستان کوتاه هم نوشته است. کار دیگر او ترجمه چندین کتاب درباره اصول رمان و نقد ادبی از زبان انگلیسی است که به‌نظر من درجه‌ای پیش چشم نویسندگان جوانمان گشود که از جهت ارتقای سطح دانش داستان نویسان بسیار مهم است. در چهل سال اخیر استاد به‌شکل هفتگی کلاس‌های داستان‌نویسی برگزار کرده که بسیاری از نویسندگان مشهور امروز، جوانانی هستند که از میان این کلاس‌ها نوشتن را آموختند و در عرصه ادبیات شخصیتی مستقل پیدا کردند. حلقه افرادی که در کلاس‌های ایشان اصول داستان‌نویسی را آموختند کم نیستند حالا بماند که علاقه‌مندان بسیاری هم از روی آثار داستانی و آموزشی جمال میرصادقی نوشتن را فراگرفتند. بیش از نیم‌قرن ن‌داوم نوشتن و البته خوب نوشتن کاری است که سعادت آن نصیب کمتر نویسند‌های می‌شود. بااین‌حال متأسفانه طی سال‌های اخیر قدر او شناخته نشد اگرچه آثارش همچنان مورد اقبال هستند.

او معلمی را زندگی می‌کند

چندین سال پیش که علی دهیاشی یکی از شب‌های بخارا را به استاد جمال میرصادقی اختصاص داد من هم افتخار پیدا کردم در حضور ایشان و دیگر بزرگان حرف بزنم و البته فرصتی برای قدرانی از استادم پیدا کنم. همان‌طور که آن شب هم گفتم به عقیده من میرصادقی دست‌کم سه زیست یا به عبارتی یک زندگی سه‌گانه دارد. انگار که در وجودش هم‌زمان چند نفر مشغول فعالیت هستند؛ یکی از آنها جمال میرصادقی داستان‌نویس، دومی جمال میرصادقی پژوهشگرو سومی هم جمال میرصادقی مدرس داستان‌نویسی است که هر یک از این سه نفر خدمات بی‌شمار و ارزشمندی برای ادبیات داستانی‌مان داشته‌اند. او در جایگاه داستان نویس کسی است که آثاری همچون «درازای شب»، «لین سگشته» و «اضطراب ابراهیم» را نوشته است. تجربه‌های او در عرصه داستان کوتاه هم آن‌قدر ارزشمند است که تلفیقی از فرم‌های مختلف و دیدگاه‌های جذاب در کنار یکدیگر به شمار می‌آیند. اما میرصادقی پژوهشگر کسی است که تعدادی از مهم‌ترین متون نظری ادبیات داستانی ما در حوزه فن و تکنیک را خلق کرده، نوشته و در این زمینه از جمله پیشگامان هم بوده است. جمال میرصادقی پژوهشگر به گمانم یکی از مهم‌ترین افرادی است که طی یکصد سال اخیر، ادبیات داستانی کشورمان به خود دیده است. سال ۱۴۰۰ ادبیات مدرن داستانی ایران یکصد ساله می‌شود و طی این یک قرن ما افرادی همچون جمال میرصادقی را که پژوهش‌های آنان مبتنی بر فن و تکنیک بوده باشد ، بسیار کم داشته‌ایم. او جزو پیشگامان این مسیر در ادبیات داستانی‌مان است و به‌طور قطع تأثیر دیرپایی هم به‌جای گذاشته است، اما درنهایت میرصادقی مدرس داستان‌نویسی برای من یک معلم بسیار بزرگ، شریف و مهربان است. افتخار این را دارم که بگویم از سال هشتاد تا هشتادوهفت شاگردی ایشان را کردم، هنوز آن سال‌ها را به‌خاطر دارم. حضور در این کارگاه‌ها تنها برنامه آن سال‌های زندگی‌ام بود که تحت هیچ شرایطی حاضر به تعطیلی اش نبودم، حتی در دوره سربازی و آن دورانی که روی پایان‌نامه فوق‌لیسانسم کار می‌کردم کم حتی یک جلسه‌اش را رها نکردم. یکی از جلسات قرار بود بعد از اتمام کلاس بمانم و بابت مسأله‌ای با استاد صحبت کنم، کلاس که تمام شد ایشان به من گفت: «کاوه جان اگر می‌شود امروز برو، صحبتمان بماند برای بعد من خیلی خسته‌ام.» جمله‌ای که به کار برد این بود که: «وقتی این کارگاه تمام می‌شود تنها تقالام بر جای می‌ماند آن‌قدر که خسته می‌شوم.» اوایل دهه هشتاد تازه قدم به هفتاد سالگی گذاشته بود ولی به‌رغم سن و سالی که داشت بی‌آنکه خم به ابرو بیاورد داشته‌های خود را عاشقانه و معلم وار با ما شریک می‌شد. بی‌اغراق معلم‌ها در جهان دوسته‌اند، برخی که معلمی شغل آنان است و عده‌ای که معلم بودن زندگی‌شان است؛ جمال میرصادقی معلم بودن را زندگی می‌کند و ذاتا معلم است. گاهی فکر می‌کنم مهم‌ترین چیزی که از ایشان یاد گرفته‌ام که حالا می‌توانم به شاگردان خودم هم آموزش بدهم حتی فراتر از داستان‌نویسی است؛ او به ما محکم بودن در برابر سختی‌ها و برقرار ماندن در برابر همه نامهربانی‌های روزگار را هم یاد داد.

هر کتاب او کلاسی ارزشمند است

آشنایی‌ام با جمال میرصادقی به سال‌ها قبل بازمی‌گردد، البته دواودر و از طریق نوشته‌هایش او را می‌شناختم. در آن دوران میرصادقی ازجمله نویسندگانی به‌شمار می‌آمد که جوانان او را ستایش می‌کردند. از همان ابتدا خیلی درست می‌نوشت، چه از جهت فضاسازی و شخصیت‌پردازی و چه بابت باقی ملزومات داستان‌نویسی. شاید بتوان گفت مطالعه هر رمان یا مجموعه داستان استاد برای ما مملو از آموزه‌های مختلف داستان‌نویسی و در حکم یک کلاس بود؛ از همین رو استقبال بسیار خوبی از کتاب‌های او می‌شد. خود من توصیه‌ام به علاقه‌مندانی که در دوره‌های داستان‌نویسی شرکت می‌کنند این است که حتماً آثار استاد میرصادقی را بخوانند. اما در زمینه آموزش بخش‌های مختلف ادبیات داستانی هم آثار متعدد و ارزشمندی از ایشان در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. بخش قابل‌توجهی از این کتاب‌ها در سال‌هایی روانه کتاب‌فروشی‌ها شد که آثار تئوری چندانی برای آموزش داستان‌نویسی در دسترس‌مان نبود. تنها چند کتاب ترجمه‌شده درباره نظریه‌های ادبی در بازار بودند که تازه اغلب همان چند عنوان هم خیلی دشوار بودند. در همان شرایط اما به همت جمال میرصادقی کتاب‌هایی همچون «ادبیات داستانی» و «عناصر داستانی» منتشر شدند که اینها نویسندگی را با ذکر نکاتی بسیار از صفر آموزش می‌دادند. افزون بر این کتاب‌ها خودش نیز چهار دهه‌ای می‌شود که کارگاه‌هایی برای آموزش داستان‌نویسی برپا می‌کند. البته من موفق به حضور در کلاس‌های استاد که همچنان هم برقرار هستند نشدم اما از دوستانی که ساکن تهران هستند شنیده بودم که تنها فارغ‌التحصیلان کلاس‌های استاد میرصادقی هستند که نویسندگانی مجرب می‌شوند و حرفی برای گفتن دارند.



احمد آرام نویسنده و مدرس داستان‌نویسی